

## ملاحظات جنسیتی در برنامه‌ریزی آموزشی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی با محوریت تفسیر المیزان

معصومه جیریایی شراهی \*

جمیله علم الهدی \*\*

### چکیده

استخراج دیدگاه اسلامی در مورد تفاوت‌های جنسیتی یا برابری جنسیتی، استنباط مؤلفه‌های اصلی و متمایز دیدگاه اسلامی درباره جنسیت و استخراج دلالت‌های آن برای برنامه‌ریزی آموزشی از اهداف پژوهش حاضر هستند. در این پژوهش برای استنباط دیدگاه قرآن درباره تفاوت‌های جنسیتی و ملاحظه‌های آن در تعلیم و تربیت، از روش تحلیلی - توصیفی محتوای متن استفاده شده است و سپس یافته‌های تحقیق توسط صاحب‌نظران به کمک اجرای پرسشنامه اعتباریابی شده است.

مؤلفه‌های استخراج شده از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) پیرامون جنسیت حاکی از آن هستند که دیدگاه قرآنی تفاوت جنسیتی یا تساوی جنسیتی را به طور مطلق بر نمی‌تابد. زن و مرد از دیدگاه قرآنی دو صنف از نوعی واحد هستند و از این رو، علاوه بر اشتراک در بسیاری از ویژگی‌های جسمی، روحی، حقوق و تکالیف دارای تفاوت‌هایی نیز در این موارد هستند. خداوند متعال هدف خود از تفاوت جنسیتی را شناختن یکدیگر و - نه ستم و فخرفروشی - می‌داند؛ هیچ جنسیتی بر جنس دیگر برتری ندارد مگر آنکه با تفاوت باشد. این بدان معناست که نگاه توحیدی به مرد و زن باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** تفاوت‌های جنسیتی، جنسیت و آموزش، جنسیت و قرآن، تفسیر المیزان

\* کارشناس ارشد رشته مدیریت آموزشی - دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول و تأییدکننده نهایی مقاله)

Email: M\_jiriaie@yahoo.com

Email: G\_alamolhoda@yahoo.com

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۹/۰۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۰۱/۳۱

## مقدمه

آموزش در تغییر جنبه‌های رفتاری، نگرشی، برنامه‌ای، روشی و بهبود کیفیت زندگی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند؛ تا جایی که به گفته برخی نظریه‌پردازان، آموزش و پرورش پاسخی به نیازهای اقتصادی سرمایه‌داری است و از این رو، با حاکمیت ادبیات توسعه، نظام آموزشی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. توسعه، «ارتقای مستمر جامعه و نظام به سوی زندگی بهتر یا انسانی» تعریف شده و از این رو، رابطه آموزش و توسعه‌یافتگی غیر قابل انکار است و یکی از اصول توسعه آن است که شرایط توسعه به صورت برابر برای همه فارغ از جنس، طبقه، نژاد و قومیت آنان فراهم شود (ظهره‌وند، ۱۳۸۵، ۱۵۰). بر این اساس، برخی بر این تصورند که زنانگی و مردانگی نیز در ردیف ویژگی‌های نژادی و قومی، خصوصیات کم‌اهمیتی هستند که باید از کنار آنها گذشت و جنسیت به هیچ وجه نباید عامل تمایز در عرصه‌های حقوقی، سیاسی، اجتماعی و به ویژه آموزشی باشد. به اعتقاد آنان، تأکید بر موقعیت متمایز دختران در قالب تقدیس نقش مادری و همسری و توجه به خانواده و ترغیب پسران به احراز موقعیت‌های متفاوت به عنوان نان‌آور خانواده، نگرش ضد توسعه محسوب می‌شود (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۷، ۱۴)؛ از این رو، در فرایند توسعه، نظریه برابری به عنوان «یکی کردن مفهوم توسعه و تساوی» شناخته شده و توجه اولیه آن معطوف به حذف نابرابری‌ها موجود میان دو جنس در حیطه زندگی فردی، اجتماعی و بین گروه‌های اجتماعی و اقتصادی است. برنامه حساس به جنسیت هم بر همین اساس شکل گرفته است. در این برنامه جنسیت به طور منظم وارد برنامه‌ریزی می‌شود و با اتخاذ رویکرد جنسیتی و تحلیل جنسیتی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی شامل تدوین، اجرا، نظارت، ارزشیابی، اصلاح و بازنگری برنامه، تلاش می‌شود برنامه‌ها، به ویژه برنامه آموزش و پرورش، تضمین‌کننده برابری فرصت‌های آموزشی دختران و پسران باشد (ظهره‌وند، ۱۳۸۵، ۱۵۱).

در حال حاضر موضوع جنسیت و مسائل مرتبط با آن به طور وسیع در کانون توجه محققان حوزه‌های مختلف (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و...) قرار گرفته و جریان‌های مختلفی در دفاع از حقوق زنان شکل گرفته است که بر نهادهای اجتماعی گوناگون به خصوص تعلیم و تربیت بسیار تأثیرگذارند و بدون شک، نهاد «خانواده» نیز

که مهم‌ترین نهاد جامعه است، زیر تأثیر این نوع جریان‌ها قرار دارد. شواهد موجود حاکی از آن است که در جامعه ما نیز پیدایش نگرش درست به «زن» و «مرد» و حفظ ثبات و سلامت «خانواده» و مؤلفه‌های مهم آن نظیر ازدواج، مادری، پدری، فرزند، روابط خانوادگی و... با چالش‌های بسیاری روبروست؛ از این رو، به نظر می‌رسد اقداماتی که برای احتراز از هرگونه انحراف و کژاندیشی حول این موضوع باید صورت گیرد، لازم است بر آموزه‌های دین مبین اسلام استوار گردد. با توجه به اینکه بخش زیادی از شناخت هر فرد از «مرد بودن» یا «زن بودن»، مسئولیت‌هایی که دارد و انتظاراتی که از او می‌رود، در نظام آموزش رسمی و از طریق مدرسه، به خصوص معلم، روش‌های آموزشی، کتاب‌های درسی و همسالان کسب می‌شود، انجام پژوهش‌هایی که با اتکا به مبانی اسلامی بتوانند ویژگی‌های نظام آموزش در مورد جنسیت را آشکار کنند، یک اولویت بسیار مهم است.

### طرح مسئله

از اواخر قرن هیجدهم، توجه اندیشمندان علوم تربیتی به فرد یادگیرنده معطوف شد و افرادی همچون کمنیوس<sup>۱</sup> و روسو<sup>۲</sup> توجه بیش از حد به مطالب و محتوای کتاب‌های درسی، به عنوان عامل اصلی تعلیم و تربیت را مورد انتقاد قرار دادند و کم‌کم در آموزش و پرورش «اصالت محتوای درسی» جای خود را به «اصالت یادگیرنده» سپرد. پیش از این، بیشتر برنامه‌های آموزشی و درسی و انتخاب هدف‌ها، روش‌ها، وسایل و فعالیت‌های آموزشی و به خصوص برنامه‌های درسی بر محور مطالب درسی بود. به تدریج و با گذشت زمان، مطالعات و اظهارنظرهایی توسط متفکران و مربیان تعلیم و تربیت درباره ذات یادگیرنده، مراحل رشد، استعدادها و علایق او صورت گرفت که بر روی کیفیت و کمیت تهیه و تنظیم برنامه‌های آموزشی و درسی، به خصوص نحوه اجرای آن‌ها، اثرات ارزنده‌ای برجای گذاشت. یکی از متغیرهایی که از چند دهه قبل نگاه‌ها را متوجه خود کرد، تفاوت‌های جنسیتی و تأثیر آن بر روی دانش‌آموزان بود (مهر محمدی، ۱۳۸۵، ۷).

هم اکنون دیدگاه‌هایی در میان کارشناسان و مدیران آموزش و پرورش در مورد

1. Comenius
2. Rousseau

رابطه میان جنسیت و آموزش وجود دارد. برخی از کارشناسان تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد را ناچیز و کم اثر می‌دانند و معتقدند تفاوت‌های جنسیتی، محصول فرهنگ‌های مردسالار است و نظام آموزشی نباید این تفاوت‌ها را مبنایی برای تمایز میان دختران و پسران قرار دهد. گروه بیشتری از کارشناسان معتقدند که تفاوت‌های جنسیتی میان دختر و پسر کم و بیش منشأ زیست‌شناسانه دارد. اما این گروه با گروه اول در این موضوع هم‌عقیده‌اند که نباید تفاوت‌ها مبنای تمایز در نظام آموزشی قرار گیرد. این دو دیدگاه در مقام عمل دو رویکرد غالب در مراکز آموزش و پرورش کشورهای مختلف هستند (صمدی، ۱۳۸۴، ۸۳). تعدادی از کارشناسان نیز این باور را ترویج می‌کنند که تفاوت‌های جنسیتی دارای منشأ تکوینی‌اند و باید نظام آموزشی متناسب با این تفاوت‌ها و متناسب با انتظارات و مسئولیت‌های ویژه هر یک از زن و مرد، رنگ و بوی جنسیتی یابد (دفتر مطالعات زنان، ۱۳۸۷، ۲۷). در این دیدگاه جنسیت را متغیر مهمی در نظر می‌گیرند که بر موقعیت، تجربه‌ها و احساسات دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. از دید حامیان این نظریه، بی‌توجهی به جنسیت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی باعث می‌شود که مسایل خاصی که دختران و پسران دانش‌آموز با آن مواجه هستند از نظر دور بماند (مهر محمدی، ۱۳۸۵، ۷). بر این اساس، بررسی تأثیر نقش جنسیت شاگردان بر نوع تربیت و به ویژه، بر نوع ساختار سازمانی و مدیریت آموزشگاه‌ها و ...، موضوع بسیار مهمی برای مطالعه تلقی می‌شود. نکته مهم این است که در کشور ما آموزه‌های اسلامی درباره جنسیت وارد عرصه‌های اجتماعی و به خصوص حوزه تعلیم و تربیت شده است. اگرچه بحث جنسیت در کل ادیان ابراهیمی از پیش مطرح بوده است، ولی اکنون آموزه‌های اسلامی وارد مواجهه جدی با نگرش‌های رایج در آموزش و پرورش شده است (علم الهدی، ۱۳۸۵، ۱۳۵).

در مقاله حاضر تلاش شده، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهشی مسئله بررسی، سپس با تأکید بر تفسیر میزان، تقریری از دیدگاه اسلامی بر اساس آیات قرآن کریم درباره جنسیت ارائه و پس از آن، دلالت‌های تربیتی آن در برنامه‌ریزی آموزشی استنباط گردد.

### مبانی نظری

شکل‌گیری عقاید و افکار نو همچون دموکراسی، مشارکت زنان، رهایی از سنت‌های اجتماعی و خانوادگی، همتایی زنان با مردان از یک سو، و مردانه بودن عرصه‌های مختلف (سیاست، علم، اقتصاد و...)، اصلاحات آموزشی و همچنین انقلاب صنعتی، پیش‌فرض‌های نظام سرمایه‌داری، جنگ جهانی اول و دوم و در نهایت لزوم به‌کارگیری زنان در مشاغل خارج خانه (اولاً به دلیل اینکه زنان برای سرمایه‌داران نیروی کار ارزان‌تر بودند و ثانیاً عدم حضور آنها در خانه موجب افزایش تعداد مصرف‌کنندگان تولیدات سرمایه‌داران می‌شد) از سوی دیگر، موجب توجه به آموزش زنان شد (زعفرانچی، ۱۳۸۸، ۲۸۶؛ طغرانگار، ۱۳۸۳، ۳۱؛ رودگر، ۱۳۸۸، ۳۵). افزون بر این، توجه به لزوم حضور برابر زنان و مردان در مشاغل، موجب توجه به برابری آموزشی آنها شد. از طرف دیگر، یکی از اصول توسعه فراهم آوردن شرایط برابر توسعه برای همه بود و به همین دلیل، جنسیت در ردیف ویژگی‌های کم‌اهمیتی قرار گرفت که باید از کنار آن گذشت و به هیچ وجه نباید عامل تمایز در عرصه‌های مختلف شود (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۷، ۱۴). این مطلب نشان دهنده‌ی سایه اقتصاد سرمایه‌داری و سیاست لیبرالی بر طرح‌های آموزشی جنسیتی است به این ترتیب، پشتوانه‌های علمی و اجتماعی بحث تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش به تدریج تکمیل شد؛ ولی هنوز توافق کامل حاصل نشده و عده‌ای از نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش دفاع می‌کنند. با بررسی کلی نظریه‌ها در باره این موضوع می‌توان گفت: علت نظری این اختلاف مربوط به نحوه پاسخ به این سؤال است که: آیا تفاوت‌های میان زنان و مردان تکوینی و طبیعی است یا خیر؟

عده‌ای از جمله استوارت میل<sup>۱</sup> قائلند که میان دختران و پسران از نظر تکوینی و طبیعی تفاوتی نیست و بنا به مشترک بودن زنان و مردان در انسانیت، برابری جنسیتی در آموزش را می‌پذیرند و استدلال می‌کنند تفاوت‌های موجود میان دختران و پسران ناشی از تفاوت‌هایی است که جامعه (والدین، رسانه‌ها، مدرسه و...) به آنها تحمیل می‌کند. از این رو، دو جنس باید تحت آموزش یکسان قرار گیرند، تا یکسان عمل کنند و این به عدالت و انصاف نزدیک‌تر است (رودگر، ۱۳۸۸، ۱۲۹؛ مولیرآکین، ۱۳۸۳، ۳۰۳).

1. Stewart Mill

عده‌ای از جامعه‌شناسان در چارچوب نظریه کارکردگرایی معتقدند اگرچه میان زنان و مردان از نظر طبیعی و تکوینی تفاوتی نیست، اما چون تقسیم جنسیتی برای جامعه، فرهنگ و تمدن مزایای بسیاری در بر دارد، آموزش دو جنس باید متفاوت باشد (دلفی، ۱۳۸۵، ۱۶۲؛ گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۵۶).

گروه سوم از جمله افلاطون، ارسطو و روسو فائند میان دختران و پسران از نظر تکوینی و طبیعی تفاوت وجود دارد؛ زیرا عقلانیت در مردان و احساس در زنان غالب است (مولیرآکین، ۱۳۸۳، ۳۵)؛ مرد منشأ روح و زن منشأ جسم است (همان، ۱۲۳). سرشت مردان دارای قوه استدلال، جسارت جنسی و گستاخی و سرشت زنان دارای قوه فریبندگی، شرمساری و مقاومت است (همان، ۱۸۰) و این تفاوت‌های تکوینی باید در آموزش لحاظ شوند و به همین دلیل، آموزش جنسیتی را توصیه می‌کنند.

گروه چهارم (از جمله مانی<sup>۱</sup> و ارهارت<sup>۲</sup> به عنوان زیست‌شناس و فروید<sup>۳</sup> و چودوروف<sup>۴</sup> به عنوان روانشناس) استدلال می‌کنند که اگرچه زنان و مردان از نظر زیست‌شناختی و روان‌شناختی تفاوت دارند؛ اما این تفاوت‌ها بسیار ناچیزند و نباید مبنای تفاوت در آموزش دو جنس شوند. به نظر این گروه جسم متفاوت دختران و پسران موجب دریافت رفتارهای متفاوت از اطرافیان، به ویژه والدین، و شکل‌گیری هویت جنسی آنها می‌شود و از این رو، این آموزش اطرافیان است که موجب ایجاد تفاوت‌های اساسی میان زنان و مردان می‌شود، نه طبیعت آنها (چودوروف، ۱۳۸۵، ۹۰؛ گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۶۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 
1. Mani
  2. Erhart
  3. Freud
  4. Chodorow

دیدگاه‌ها و دلایل موافقان و مخالفان تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش.			
دیدگاه اول.	عدم وجود تفاوت تکوینی میان دو جنس.	تساوی جنسیتی در آموزش.	دلیل: زن و مرد در انسانیت مشترکند.
دیدگاه دوم.	عدم وجود تفاوت تکوینی میان دو جنس.	آموزش جنسیتی.	دلیل: تقسیم جنسیتی برای جامعه، فرهنگ و تمدن مزایای بسیاری در بر دارد.
دیدگاه سوم.	وجود تفاوت تکوینی میان دو جنس.	آموزش جنسیتی.	دلایل: عقلانیت در مردان و احساس در زنان غالب است. مرد منشأ روح و زن منشأ جسم است. سرشت مردان دارای قوه استدلال، جسارت جنسی و گستاخی و سرشت زنان دارای قوه فریبندگی، شرمساری و مقاومت است.
دیدگاه چهارم.	وجود تفاوت تکوینی میان دو جنس.	تساوی جنسیتی در آموزش.	دلیل: زنان و مردان تفاوت‌های تکوینی (از نظر زیست‌شناسی و روانی) دارند که ناچیزند و نباید مینای تفاوت در آموزش دو جنس شود.

در جمع‌بندی دیدگاه‌های مطرح شده ذکر چند نکته مهم است: نکته اول، از آنجا که صاحب‌نظران رشته‌های مختلف همچون زیست‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، هر یک شواهدی مستدل و مستند یافته‌اند که میان زنان و مردان در حوزه مورد مطالعه آنها تفاوت‌هایی وجود دارد، تفاوت کلی میان زنان و مردان در ساختار جسمی، روانی و رفتاری تقریباً پذیرفته شده است. اما سهم هر یک از این تفاوت‌های جسمی، روانی و رفتاری در تکوین هویت جنسی معلوم نیست. به طور کلی، می‌توان گفت تفاوت جسمی دختران و پسران موجب تفاوت رفتار اطرافیان با آنها

می‌شود و از سوی دیگر ویژگی‌های روانی هر یک به تثبیت و تداوم هویت شکل گرفته آنها کمک می‌کند.

نکته دوم، در مورد این هم که آیا تفاوت‌های ذکر شده می‌تواند مبنای آموزش متفاوت دو جنس باشد، اختلاف نظر وجود دارد.

نکته سوم، موافقان تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش، در مورد معنای تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش توافق ندارند. برخی بر برابری جنسیتی در دسترسی به آموزش و امکانات آموزشی توجه دارند. دیدگاه‌ها و پژوهش‌های اولیه حوزه آموزش و جنسیت غالباً این رویکرد را دارند. جالب توجه است که با وجود پذیرش جهانی این دیدگاه هنوز در تمام نقاط جهان تعداد زنان و مردان از نظر دسترسی به آموزش برابر نیست. در بررسی علت این امر، پژوهش‌های جدید علاوه بر عوامل فردی، به عوامل اجتماعی اشاره می‌کنند. به عبارت دیگر، علاوه بر اینکه انتخاب‌ها و تصمیمات فردی در دسترسی به آموزش نقش دارند، امکانات، فرصت‌ها، سیاست‌ها و رویه‌های اجتماعی نیز نقش مهمی دارند (هوجز پرسل و دیگران، ۱۹۹۹، ۴۰۸).

عده‌ای دسترسی یکسان به آموزش را کافی نمی‌دانند و قائلند دسترسی برابر به آموزش بدون دسترسی یکسان به مزایای آموزشی باز هم نابرابری جنسیتی محسوب می‌شود؛ مثل پژوهش‌هایی که بررسی می‌کنند آیا پسران و دختران با مدرک تحصیلی یکسان، مزایای یکسان از جمله حقوق یکسان، رتبه شغلی یکسان و ... دریافت می‌کنند یا نه. در این حوزه هم بررسی پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که مزایای خانوادگی، شغلی، اجتماعی، اقتصادی و ... حاصل شده از تحصیلات برای زنان و مردان با تحصیلات مشابه به ندرت یکسان است (همان، ۴۲۷).

در نهایت، دیدگاهی که اخیراً در نظام‌های آموزشی مطرح شده است و آن اینکه آیا برابری جنسیتی در تجارب آموزشی دو جنس وجود دارد یا خیر؟ مثلاً آیا دختران و پسران رفتار یکسان از معلم خود دریافت می‌کنند یا نه. این دیدگاه ناظر به برابری در برنامه‌ریزی آموزشی است و پیش‌فرض آن این است که دسترسی یکسان دو جنس به آموزش بدون تجارب یکسان در سیستم آموزشی همچنان به نابرابری جنسیتی منجر و در نهایت موجب می‌شود مزایا و نتایج آموزش، مانند شغل، حقوق و موقعیت اجتماعی، برای دو جنس نابرابر باشد. در این دیدگاه محتوای آموزش بیشتر از سایر



موارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مورد به برنامه‌ریزی آموزشی پنهان و غیررسمی توجه ویژه می‌شود، بدین سبب که برابری جنسیتی در آموزش بدون ملاحظه جنبه‌های پنهانی و غیررسمی آن ممکن نیست و عدم توجه به آنها - حتی با وجود برابری جنسیتی در جنبه‌های رسمی و آشکار- می‌تواند به نابرابری جنسیتی در آموزش دامن زند (همان، ۱۳۸۵).

نقطه مورد تأکید دیدگاه.	دیدگاه‌های مختلف در مورد معنای تساوی جنسیتی در آموزش و پرورش.	
مقایسه تعداد دختران و پسران در حال تحصیل.	تساوی دو جنس در دسترسی به آموزش و امکانات آموزشی.	دیدگاه اول.
حقوق و مزایای شغلی یکسان دو جنس با تحصیلات مشابه.	تساوی دو جنس در دستیابی به مزایای آموزش.	دیدگاه دوم.
محتوای آموزشی.	تساوی در تجربه‌های آموزشی.	دیدگاه سوم.

### پیشینه پژوهش

قبل از ذکر پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر، پژوهشگر ذکر دو نکته را -که در خلال بررسی‌های خود به آن رسیده است- لازم می‌داند: اولاً بسیاری از پژوهش‌های کنونی حوزه آموزش، جنسیت را لحاظ نکرده‌اند، ثانیاً اغلب پژوهش‌هایی هم که جنسیت را لحاظ کرده‌اند، آن را همچون سایر متغیرها و نه به عنوان یک متغیر اصلی در نظر گرفته‌اند. البته پژوهش هوجز پرسل<sup>۱</sup> و دیگران که در ایالات متحده و توسط سازمان ملل متحد و بانک جهانی صورت گرفته استثناء مهمی بر این مطلب محسوب می‌شود که به آن اشاره خواهد شد.

علم‌الهدی (۱۳۸۳) در مقاله پژوهشی با عنوان «جنسیت در تربیت اسلامی» معتقد است که تفاوت‌های جنسیتی، خواه مربوط به ذات و گوهر اصلی انسان باشد یا خارج از ذات، به ماهیت زن و مرد بازگشت کند، یا به جامعه یا تعامل محیط و وراثت، در هر صورت به طور انکارناپذیری این تفاوت‌ها وجود دارد و ملاحظه تفاوت‌های فردی

1. Hodges Persell

یادگیرندگان از جمله تفاوت‌های وابسته به جنس، نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه درسی خواهد داشت. تربیت اسلامی، از یک سو، با پذیرش تأثیر اجتماعی در شکل‌گیری باورهای جنسی و بروز تفاوت‌های جنسی، خواستار تغییرات مطلوب در جهت برقراری عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر تحصیل معرفت است و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی به عنوان بخشی از تفاوت‌های فردی، بر تلفیق علایق نقش‌های وابسته به جنس یادگیرندگان با علایق وجود شناختی آنها تأکید می‌کند.

معروفی (۱۳۸۱) در مقاله پژوهشی با عنوان «نقش آموزش و پرورش در انجام اصلاحات (تأکید بر ملاحظات جنسیتی)» این نظر را مطرح می‌کند که اگر برنامه‌ریزی در نظام آموزش و پرورش با دقت انجام پذیرد، به تدریج بستر مناسبی برای تربیت رهبران روشنفکر، مردم مستعد و شرایط مناسب برای تحقق اصلاحات و جامعه مدنی فراهم می‌شود. در این برنامه‌ریزی ساختار سازمانی، نظام مدیریتی، روش تدریس، آموزش معلمان و محتوای کتب درسی به گونه‌ای بازنگری می‌شود که با ملاحظات جنسیتی، همه دانش‌آموزان، اعم از دختر و پسر، فرصت بالندگی یابند و با شکوفا شدن استعدادهایشان اندیشیدن و نقد خردمندانه را از نوجوانی تمرین کنند و پس از ورود به جامعه شهروندان لایقی برای اصلاحات باشند.

عبدوس (۱۳۸۱) در مقاله پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران و پسران و راهکارهای مؤثر برای رفع آن» به این نتیجه می‌رسد که وجود تفاوت بین دختران و پسران در دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی محرز است. اما این تفاوت در هر زمان و هر برهه‌ای به شکلی خود را نشان داده است. زمانی به صورت مخالفت علنی با درس خواندن دختران، زمانی به صورت کمبود منابع و امکانات آموزشی (از قبیل مدارس مناسب، معلمان زن و...)، زمانی به صورت محدودیت در انتخاب رشته تحصیلی و مانند آن خود را نشان می‌دهد. برای بهره‌مندی یکسان افراد از آموزش و پرورش، بایستی کلیه عوامل موجود را مد نظر قرار داد و از بین عوامل مختلف، جنسیت را نیز به عنوان عامل قابل توجه در نظر گرفت و به تناسب آن برنامه، محتوا و فضای آموزشی را تغییر داد به نحوی که دختران و پسران از آموزش یکسان بهره‌مند شوند.

چابکی (۱۳۸۲) در مقاله پژوهشی با عنوان «آموزش و جنسیت در ایران» تلاش کرده است که وضعیت آموزش دختران کشورمان را به لحاظ کمی - شکاف‌های موجود بین دختران و پسران در حال تحصیل به لحاظ شمار و تعداد آن‌ها - و کیفی - نوع رشته تحصیلی مقطع تحصیلی و... - واکاوی نماید، تا از این راه زمینه‌ها و علل و عوامل نابرابری آموزشی بر اساس جنسیت را شناسایی کند. او مشکلات دختران در نظام آموزشی ایران را هزینه تحصیل، نابرابری در استفاده از امکانات ورزشی و رفاهی و تفریحی، عوامل روانی، تشویق دختران به رعایت کلیشه‌های جنسیتی، و صرف هزینه‌های بیشتر برای پسران دانش آموز معرفی می‌کند و در نهایت راهکارهایی برای رفع معضلات و تنگناهای موجود ارائه می‌نماید.

شهرآرای (۱۳۸۵) در مقاله پژوهشی با عنوان «جنسیت و رویکردهای معرفت‌شناسانه» به این موضوع اشاره می‌کند که از مهم‌ترین اهداف نظام‌های آموزش و پرورش، شناخت و تربیت و بالندگی دختران امروز و زنان فردا است. معرفت‌شناسان دارای دیدگاه زنانه، زنان را گروهی می‌دانند که تجربه‌هایی متفاوت از مردان و ویژگی‌های خاص خود را دارند. از سوی دیگر، مردان را به عنوان گروهی با ارزش‌ها و خصوصیات متفاوت، در شرایطی نمی‌بینند که بتوانند مرجع زنان باشند و قضاوت صحیح در مورد زنان داشته باشند. این نظریه‌ها، ضمن ایجاد نگرش‌ها و معیارهای خاص، توجه را از مقوله‌های کلی مورد توجه دختران در یک فرهنگ خاص یا در فرهنگ‌های گوناگون باز می‌دارند. بسیاری از مسائل مربوط به شناخت، تربیت و بالندگی دختران، نقطه نظرات کاربردی و پژوهشی جدیدتری را طلب می‌کند. رسالت آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم این است که ضمن فراهم ساختن فرصت‌های برابر در کلیه ابعاد و سطوح و مشارکت کامل زنان و مردان در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و مدیریت، شرایط پژوهشی مناسب را جهت ترسیم سیمای واقعی دختران امروز در جامعه به وجود آورد.

زنجان‌زاده (۱۳۸۶) در مقاله پژوهشی با عنوان «تحلیل رابطه آموزش و پرورش در تولید و بازتولید نابرابری‌های جنسیتی» نظریه‌های مربوط به نابرابری‌های جنسیتی و سپس آرای جامعه‌شناسان در مورد نقش مدرسه به عنوان عامل حفظ و ثبات و همچنین عامل تغییر مورد بررسی قرار می‌دهد و در پایان نتیجه می‌گیرد که در مدرسه باید

قالب‌های ذهنی جنسیتی را شناخت؛ زیرا این قالب‌ها هستند که نمی‌گذارند دختران و پسران در فرصت‌های آموزشی برابر سهیم باشند؛ و از این رو، باید متون درسی و آموزشی که سرشار از قالب‌های جنسیتی هستند به بررسی انتقادی گذاشته شوند و کنش معلم در برابر دختران و پسران یکسان شود.

دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۸۷) در طرح پژوهشی تحت عنوان «قرائت انتقادی نظام آموزشی با رویکرد جنسیتی» با اشاره به اینکه بحث از نظام آموزشی مبتنی بر جنسیت تا کنون مورد غفلت واقع شده است، با تحلیل نظرات مختلف به لزوم لحاظ کردن تفاوت‌های جنسیتی در آموزش دختران و پسران تأکید کرده است.

هوجز پرسل<sup>۱</sup> و دیگران (۱۹۹۹) در مقاله پژوهشی با عنوان «جنسیت و آموزش از جنبه جهانی» نقش آموزش در برابری و نابرابری جنسیتی را بررسی کرده‌اند. آنها پژوهش خود را در سه سطح دسترسی دختران و پسران به آموزش، تجربه‌های آنها در سیستم، و نتایج فردی و اجتماعی آموزش برای آنها بررسی کرده‌اند. آنان با بررسی کشورهای مختلف به این نتیجه رسیدند که آموزش هم می‌تواند برابری جنسیتی در جامعه ایجاد کند و هم می‌تواند نابرابری جنسیتی را ترویج کند. به زعم آنها حتی ممکن است جهت‌گیری رسمی یک سیستم آموزشی مخالف نابرابری جنسیتی باشد، ولی سیستم غیررسمی آن، نابرابری جنسیتی را ترویج کند. آنها سه نوع جنسیت‌گرایی را در مدارس جهان کشف کردند: جنسیت‌گرایی در مدارس مختلط، جنسیت‌گرایی در مدارس پسرانه و جنسیت‌گرایی در مدارس دخترانه. بررسی آنها نشان داد که پیچیده‌ترین جنسیت‌گرایی در مدارس دخترانه وجود دارد و در نهایت به ضرر هر دو جنس است.

استوکارد<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) در مقاله پژوهشی با عنوان «شکل‌گیری هویت جنسیتی» به بررسی دیدگاه‌هایی پرداخته است که پیرامون منشأ هویت جنسی وجود دارد. وی پس از تبیین دیدگاه‌های زیست‌شناسانه، تئوری یادگیری اجتماعی، تئوری شناختی، تئوری طرحواره جنسیتی، تئوری‌های روانکاوانه، به مقایسه و نقد آنها می‌پردازد. در نهایت، به طور ضمنی اشاره می‌کند که تئوری طرحواره جنسیتی، شکل‌گیری هویت جنسی را بهتر تبیین می‌کند؛ زیرا اولاً سایر تئوری‌ها را رد نمی‌کند؛ ثانیاً به نسبت بقیه تئوری‌ها

1. Hodges Persell  
2. Stockard

عام‌تر است و همه کارگزاران هویت جنسی (والدین، رسانه‌ها، مدارس و ...) را شامل می‌شود.

العک (۲۰۰۲) در کتابی با عنوان «تربیه الابناء و البنات فی ضوء القرآن و السنه» تلاش کرده است با بررسی آیات و روایات اسلامی حقوق فرزندان، با محوریت تربیت را استخراج کند. در این پژوهش آیات و روایات در چند بخش تقسیم شده‌اند؛ در اینجا به مواردی که پژوهش مذکور به آن پرداخته اشاره می‌شود: آداب تربیت، آداب تشویق و تنبیه، تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت عاطفی، تربیت عقلانی، تربیت دینی، تربیت دختران (تعلیم دختران، حجاب، لباس، زینت، ازدواج).

در جمع‌بندی این پژوهش‌ها ذکر نکاتی ضروری است: اول، غالب پژوهش‌ها به بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به منابع و امکانات آموزشی - دیدگاه اول- و بررسی مزایای حاصله از آموزش برای هر جنس - دیدگاه دوم - پرداخته‌اند و پژوهش‌های کمی به برنامه‌ریزی آموزشی - دیدگاه سوم- توجه داشته‌اند. دوم، پژوهش‌های موجود بیشتر به جنبه کمی مسائل توجه کرده‌اند و مسائل کیفی را لحاظ نکرده‌اند؛ تحلیل‌های آنها هم غالباً بسیار ساده و بدون ملاحظه سایر عوامل صورت گرفته است. سوم، تنها در سه پژوهش داخلی رویکرد دینی وجود دارد که یکی بیشتر مبتنی بر استدلال‌های فلسفی و دیگری با اینکه مبتنی بر آیات قرآن است، بیشتر به تفاوت‌های حقوقی پرداخته است. مورد سوم هم صرفاً به این مسئله پرداخته که معلمان باید همچون دانش آموزان خود باشند.

### روش تحقیق

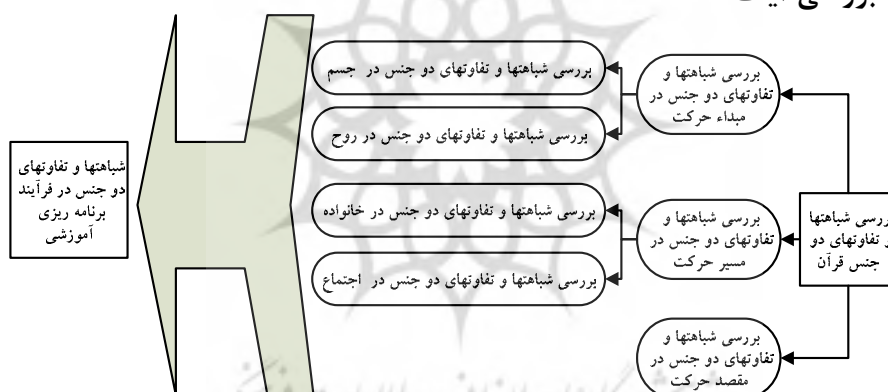
در این پژوهش برای استنباط دیدگاه قرآن درباره تفاوت‌های جنسیتی و ملاحظه‌های آن در تعلیم و تربیت، از روش تحلیل محتوای متن استفاده شده، سپس یافته‌های تحقیق توسط صاحب‌نظران به کمک اجرای پرسشنامه اعتباریابی شده است. پژوهشگر جهت بررسی فرضیات خود در قرآن، تفسیر المیزان را جامعه پژوهشی خود قرار داده و از آنجا که بررسی دقیق آیات قرآن با نمونه‌گیری تصادفی ممکن نیست، نمونه‌گیری هدفمند یا داورانه<sup>۱</sup> را در دستور کار خود قرار داده است. مؤلفه‌های جنسیتی با روش

۱. برای توصیف نوعی از نمونه‌گیری به کار می‌رود که در آن مواردی که از لحاظ هدف‌های تحقیق کیفی، اطلاعات غنی دارند، انتخاب می‌شوند (گال و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۳۸۹).

تحلیل محتوا از آیات قرآن استخراج و از طریق روش مثلث سازی صاحب نظران جرح و تعدیل شدند؛ سپس پرسشنامه‌ای که حاوی دلالت‌های تربیتی استنباط شده از مؤلفه‌های جنسیتی آیات بودند تنظیم شد و در اختیار ۳۰ نفر از صاحب نظران حوزه علوم تربیتی و علوم دینی قرار گرفت. ضریب پایایی پرسشنامه از طریق نرم افزار SPSS، ۰/۸۲. به دست آمد که مقدار آلفای قابل توجه است. شایان ذکر است که روایی صوری یافته‌ها نیز مورد تأیید صاحب نظران قرار گرفته است.

لازم به ذکر است مقوله‌بندی آیات جهت تحلیل محتوای آن‌ها بر این مبنا استوار شده است که بر اساس آموزه‌های قرآن، به خصوص آموزه «وَالْيَاكِينِ» و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ الرَّاجِعُونَ»، کل زندگی انسان حرکتی منتظم، هدفمند و دارای مبدأ، مسیر و مقصد است.

### نحوه بررسی آیات



### یافته‌های پژوهش

بررسی تفسیر المیزان نشان داد که مطابق آیات قرآن، جنس مؤنث و مذکر از لحاظ ویژگی‌های جسمی و روحی، تفاوت‌هایی با هم دارند. از جمله اینکه اگرچه جسم مؤنث و مذکر خاستگاه یکسان دارند و هر دو از طین (مؤمنون، ۱۲؛ ص، ۷۱؛ ...)، نطفه (انسان، ۲؛ قیامه، ۱۳؛ ...)، علق (حج، ۵؛ علق، ۲؛ ...) و منی (عبس، ۱۹؛ قیامه، ۱۳؛ ...) خلق

شده‌اند ولی جسم مؤنث<sup>۱</sup> آسیب‌پذیرتر از جسم مذکر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۳۴). علامه طباطبایی (ره) در بحث از تفاوت‌های دو جنس در روح، به قوی بودن قوه عاقله مردان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۳ ذیل آیه ۳۴ سوره نساء)، قوی بودن عاطفه در زنان، علاقه زنان به تبرج (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۴ ذیل آیه ۱۸ سوره زخرف)، شدت قوه کید<sup>۲</sup> در زنان و تحریک‌پذیری جنسی مردان اشاره می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۹۴ ذیل آیه ۲۸ سوره یوسف).

در عرصه خانواده و اجتماع، خداوند زن و مرد را به عنوان دو صنف از نوع انسانی به حمایت از یکدیگر تشویق می‌کند «هِنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» (بقره، ۱۸۷)؛ و در عین حال تمایزات صنفی را که نه کمال و نه نقص برای زن یا مرد محسوب می‌شود، با عناوینی چون «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء، ۳۴) بیان می‌کند و همه اینها، از شناخت دقیق و تسلط وجودی و علمی خداوند متعال بر مخلوق خود یعنی انسان خبر می‌دهد «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ». علامه طباطبایی (ره) به تبعیت از رویکرد قرآن مجید، بر نقش تکمیلی زن و مرد در خانواده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۴ ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره و ج ۱۶، ص ۲۵۰ ذیل آیه ۲۱ سوره روم) و اجتماع (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۹ ذیل آیه ۲۲۸ سوره بقره؛ و ج ۴، ص ۵۴۳ ذیل آیه ۳۴ سوره نساء) توجه دارد و همین سبب شده است که موضع ایشان متمایز از بحث‌های فلسفه و تمدن غرب درباره برابری یا نابرابری‌های جنسیتی باشد. به عبارت دیگر، در مبانی اسلامی بر خانواده به عنوان الگوی زندگی اجتماعی تأکید می‌شود و

۱. الأنثی: این واژه ۱۴ بار در قرآن آمده است؛ الأنثی یعنی مؤنث؛ مقابل مذکر. نامگذاری مذکر و مؤنث در اصل به دلیل تفاوت آلت تناسلی آنها است و چون به طور طبیعی جنس مؤنث به دلیل توالد، تناسل، مراقبت، شیردهی ضعیف و سست می‌شود؛ از این رو، طبیعت وظایف سنگین و طاقت فرسا را بر دوش طبیعت مذکر قرار داده است؛ مثل جنگ‌ها و... (الراغب الاصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۳). جنس مؤنث در همه حیوانات ضعیف‌تر از جنس مذکر است و به همین دلیل وظیفه جنس مؤنث ضعیف‌تر است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۸ ه. ق). علامه طباطبایی (ره) نیز ذیل آیه ۱۱۷ سوره نساء (إِنَّ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثًا) می‌فرماید: أنث جمع أنثی است و در معنای أنث نوعی تأثر و انفعال نهفته است.

۲. کید «در اصل به معنای درمان دقیق چیزی می‌باشد و به تدریج در معنای دیگر توسعه یافته است (ابن فارس، ۱۴۲۹ ه. ق، ص ۸۸۱). کید نوعی حيله‌گیری است که گاهی پسندیده و گاهی ناپسند است ولی بیشتر برای حيله‌گری ناپسند استفاده می‌شود؛ در قرآن در هر دو معنا به کار رفته است. کید پسندیده در آیه ۷۶ سوره یوسف (كَذَلِكَ كَلَّمْنَا يُوسُفَ) و آیه ۴۵ سوره قلم و آیه ۱۸۳ اعراف (وَ أَمَلَى لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ) و کید ناپسند در آیه ۵۲ سوره یوسف (وَ أَنْ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ) آمده است (الراغب الاصفهانی، ۱۴۲۷ ه. ق). کید به معنای تدبیر کردن نیز می‌باشد؛ مثلاً معنای آیه ۷۶ سوره یوسف (كَذَلِكَ كَلَّمْنَا يُوسُفَ) یعنی: برای یوسف چنین تدبیر کردیم (معلوف، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۷۷).

اصولاً برابری و نابرابری جنسی موضوعیت خود را از دست می‌دهد و بیشتر نقش تکمیل‌کننده دو جنس مدنظر قرار می‌گیرد. در اینجا بحث از برابری و نابرابری زن و مرد، همچون بحث از برابری و نابرابری چشم و گوش، بی‌معناست؛ چون آن‌ها تکمیل‌کننده یکدیگر در کلیتی به نام خانواده هستند. مباحث جنسیتی در عصر حاضر بر یک فرض اساسی درباره الگوی زندگی اجتماعی استوار است که به الگوی کارخانه‌ای یا سازمانی معطوف است. در این الگو توجه به اهمیت نقش‌های اجتماعی زنان سبب شده است که دیدگاه‌های تساوی‌گرا رشد کند و تلاش شود زمینه‌هایی در فلسفه، زیست‌شناسی، الهیات و غیره برای حمایت از تساوی‌گرایی به دست آید؛ در تقابل با این دیدگاه‌ها، نگاه‌های مذکرسالار یا مؤنث‌سالار همچنان بر تبعیض تأکید دارند و به طور مشابه زمینه‌های حمایت‌کننده خود را در فلسفه، زیست‌شناسی، الهیات و غیره می‌جویند؛ ولی به عکس، در بررسی تعالیم اسلام معلوم می‌شود که خانواده به عنوان الگوی زندگی اجتماعی از جایگاه برتری نسبت به کارخانه و سازمان برخوردار است. از این رو، بحث درباره جنسیت با توجه به اهمیت نقش‌های خانوادگی زنان و مردان شکل می‌گیرد. در حوزه اسلامی، دیدگاه تکامل‌گرا یا تعادل‌گرا جانشین دیدگاه تساوی‌گرا در مباحث جنسیتی می‌شود. اهمیت خانواده ناشی از کارکردهای تربیتی و نقش اساسی آن در تکامل افراد بشر است؛ از این رو، نقش تکمیلی زنان و مردان در خانواده زیربنای فهم و تفسیر آیات قرآن و همچنین اساس درک تعالیم دینی ماست.

اما تفاوت‌ها ذکر شده، چه در مبدأ حرکت (جسم و روح) و چه در مسیر حرکت (خانواده و اجتماع) تسری به عرصه‌های اخلاقی و انسانی ندارند و از این رو، جنسیت معیار برتری افراد در آخرت - مقصد حرکت - نیست و یگانه مزیت افراد نسبت به یکدیگر تقواست: *إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ* (حجرات، ۱۳) و عمل صالح مشروط به ایمان از هر دو جنس پذیرفته می‌شود (نحل، ۹۷؛ نساء، ۱۲۴؛ غافر، ۴۰). بر این اساس، تفاوت زن و مرد در برخی استعدادها و گرایش‌ها هم معیار فضیلت نیست، بلکه ابزار لازم برای تحقق تسخیر متقابل و دو جانبه است: *لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا* (زخرف، ۳۲)؛ به این معنا که تفاوت در یک استعداد نشانه فضیلت معنوی و تقرب فرد به خدا نیست. هرکس بتواند از این استعدادها فایده‌ای بهتر ببرد و خالصانه‌تر کار کند و به مرتبه بالاتر تقوا برسد، به کمال محض نزدیک‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، معیار



ارزش در نظام ارزشی اسلام با معیار ارزش در مکاتب دیگر متفاوت است. در اسلام آنچه مایه تقرب می‌شود، تعبد است و هر که بنده‌تر است، مقرب‌تر است. بندگی خدا نیز در عمل مطابق رأی خود نیست، بلکه بندگی، رفتار بر اساس دستور خداست (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۵).

همانطور که در روش پژوهش اشاره شد، در این پژوهش بررسی آیات بر این مبنا صورت گرفته است که بر اساس مفهوم‌شناسی قرآن به خصوص "وَالِيهِ الْمَصِيرُ" و "إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ الرَّاجِعُونَ"، کل زندگی شخص حرکتی منتظم و هدفمند و دارای اجزاء مبدأ، مسیر و مقصد می‌باشد. در ذیل به طور موردی به مؤلفه‌های جنسیتی دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در المیزان و دلالت‌های آن‌ها در برنامه‌ریزی آموزشی می‌پردازیم:

#### ۱- مؤلفه‌های جنسیتی در مبدأ حرکت

در این قسمت به بررسی آیاتی پرداخته شده است که به نوعی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جنس را در مبدأ حرکت بیان کرده‌اند. شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جنس در مبدأ حرکت به شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جنس در جسم و روح تقسیم شده‌اند.

۱-۱- خاستگاه مادی و ماهیت جسم زن و مرد یکی است. هر دو از طین (مؤمنون، ۱۲؛ ص، ۷۱؛ ...)، نطفه (انسان، ۲؛ قیامه، ۱۳؛ ...)، علق (حج، ۵؛ علق، ۲؛ ...) و منی (عبس، ۱۹؛ قیامه، ۱۳؛ ...) خلق شده‌اند.

۱-۲- جسم افراد مؤنث در نوع انسان، همچون همه انواع و گونه‌های طبیعی، از جسم مذکر آسیب‌پذیری بیشتری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۳۴ ذیل آیه ۱۱۷ سوره نساء).

۱-۳- قوه عاقله جنس مذکر از جنس مؤنث قوی‌تر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۳ ذیل آیه ۳۴ سوره نساء؛ ج ۱۸، ص ۱۳۴ ذیل آیه ۱۸ سوره زخرف).

۱-۴- جنس مذکر در فروع قوه عاقله مانند استدلال کردن، هم‌اوردی، تحمل شدائد و کارهای سخت قوی‌تر از جنس مؤنث است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۴ ذیل آیه ۱۸ سوره زخرف).

۱-۵- عاطفه جنس مؤنث از جنس مذکر قوی‌تر است (همان).

۱-۶- جنس مؤنث تمایل به تبرج (زینت و زیور) دارد (همان).

۱-۷- دختران دارای قوه کید می‌باشند و پسران نسبت به آن‌ها تحریک‌پذیری

جنسی دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۹۴ ذیل آیه ۲۸ سوره یوسف).

## ۲- مؤلفه‌های جنسیتی در مسیر حرکت

در این قسمت به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جنس در مسیر حرکت پرداخته‌ایم و مسیر حرکت انسان در این دنیا را به خانواده و اجتماع تقسیم کرده‌ایم.

۲-۱- تفاوت‌های فردی در دو جنس برای بقاء خانواده و اجتماع ضروری است

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۴۸ ذیل آیه ۳۲ سوره زحرف).

۲-۲- هم زنان، هم مردان در مواردی بر هم برتری دارند<sup>۱</sup>.

۲-۳- برخی برتری‌های دو جنس بر هم خدادادی و برخی اکتسابی‌اند<sup>۲</sup>.

۲-۴- امتیازات هر یک از دو جنس، اکتسابی یا غیر اکتسابی، از سوی خداست<sup>۳</sup>؛

۲-۵- همزیستی زن و مرد در قالب تشکیل خانواده موجب جلوگیری از گسترش

انحرافات اخلاقی در جامعه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۴ ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره).

۲-۶- زن و مرد هر دو به تنهایی ناقص‌اند و نسبت به یکدیگر در حوزه خانواده و

جامعه نقش مکمل دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۰ ذیل آیه ۲۱ سوره روم).

۲-۷- قیومیت مرد بر زن ناشی از توانمندی مرد در تعقل است که تکلیفی برای

ایشان ایجاد می‌کند و تأمین امور زندگی زنان (اعم از همسر، مادر، دختر، خواهر و نوه)

۱. با هم نگیری آیه ۳۲ سوره نساء (وَلَا تَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا) که خداوند زنان و مردان را از آرزوی فضایل یکدیگر باز می‌دارد و آیه ۳۴ سوره نساء (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ) که بیان می‌کند که مردان فضیلتی بر زنان دارند، می‌توان نتیجه گرفت: زنان و مردان در مواردی بر هم فضیلت دارند.

۲. در آیات فراوان "فضل" در مصادیقی همچون توانایی‌های جسمی (برای داوود، طالوت، هارون - قوه زبانی - و انسان‌های ماسلف (در آیات ۱۷ ص؛ ۲۴۷ بقره؛ ۳۵ قصص؛ ۶۹ توبه؛ ۹ روم؛ ۲۱ و ۸۲ غافر)، علم (برای طالوت، داوود، سلیمان، لوط، یعقوب، یوسف و عیسی در آیات ۲۴۷ بقره؛ ۱۵ نمل؛ ۲۵۱ بقره؛ ۷۴، ۷۹ و ۸۰ انبیاء؛ ۲۲ و ۶۸ یوسف)، حکمت (برای داوود، لوط، سلیمان، یوسف و عیسی در آیات ۲۵۱ بقره؛ ۷۴ و ۷۹ انبیاء؛ ۲۲ یوسف؛ ۱۱۰ مائده)، زیبایی (برای یوسف در آیه ۳۱ یوسف) و ثروت و توانایی‌های ابزاری (برای فرعون، ملکه سبا، ذی القرنین، سلیمان، قارون و یوسف در آیات ۴ و ۷۶ قصص؛ ۱۲ و ۱۵ سبأ؛ ۸۴ کهف؛ ۲۱ و ۵۶ یوسف) ذکر شده است؛ اما همه به خدا نسبت داده شده‌اند: علم و حکمت: وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء، ۱۱۱)؛ قدرت و توانایی: لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْخِطَابُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (تغابن، ۱)؛ زیبایی: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ (نساء، ۳۵)؛ ثروت: أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر؛ ۱۵).

۳. وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ (نساء، ۳۲). وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ (نساء، ۸۳). ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ (مائده، ۵۴). وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (بقره، ۱۰۵).

را به عهده ایشان می‌گذارد و البته به تناسب هر تکلیفی، حقوقی هم وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۳ ذیل آیه ۳۴ سوره نساء).

۸-۲- جایگاه اجتماعی جنس مذکر از جنس مؤنث برتر است؛ چون قوه عاقله نوع مردان بیشتر از نوع زنان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۹ ذیل آیه ۲۲۸ بقره؛ ج ۴، ص ۵۴۳ ذیل آیه ۳۴ سوره نساء).

۹-۲- جنس مذکر در اجتماع، همچون خانواده، بر جنس مؤنث قیومت دارد؛ مثلاً در مورد حکومت، قضاوت و جهاد (همان).

۱۰-۲- قیومت به معنای اختیار، حفظ و مراعات چیزی است و از این رو، قیومت جنس مذکر، علاوه بر آنکه حقی برای آن‌ها ایجاد می‌کند، تکلیفی هم ایجاد می‌کند (همان).

### ۳- مؤلفه‌های جنسیتی در مقصد حرکت

مقصد حرکت انسان‌ها محل حسابرسی و دریافت پاداش و عقاب است، آنچه برای پژوهش ما مهم تلقی می‌شود، این است که آیا جنسیت عامل تفاوت در مقصد هست یا نیست؟

۱-۳- معیار برتری افراد (فارغ از جنسشان) تقوا است و تقوا مستلزم سه رکن است: شناخت موقعیت کنونی (فرصت‌ها و تهدیدها)، تذکر مستمر نسبت به این موقعیت، و اصلاح و تغییر موقعیت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۱۳ ذیل آیه ۱ سوره نساء و ج ۱۸، ص ۴۸۹-۴۸۸ ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات).

۲-۳- پاداش عمل صالح زنان و مردان عادلانه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۴۱ ذیل آیه ۱۲۴ سوره نساء؛ ج ۱۲، ص ۴۹۱ ذیل آیه ۹۷ سوره نحل؛ ج ۱۷، ص ۵۰۴ ذیل آیه ۴۰ سوره غافر).

۳-۳- جریمه عمل ناصالح زنان و مردان ظالمانه نیست (همان).

۴-۳- عمل صالح هر دو جنس اگر همراه با ایمان باشد، پذیرفته و موجب حیات طیبه می‌شود (همان).

۵-۳- توجه به اینکه خدا ناظر و نگهبان است موجب تقوا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۱۳ ذیل آیه ۱ سوره نساء).

### دلالت‌های تربیتی

پژوهشگر با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی استخراج شده از آموزه‌های قرآنی که برگرفته از تفسیر المیزان هستند، دلالت‌های تربیتی آن‌ها را در برنامه‌ریزی آموزشی استنباط کرده است. در باره استنباط این دلالت‌ها یادآوری چند نکته لازم است: ۱. برخی دلالت‌ها برگرفته از چند مؤلفه جنسیتی هستند. ۲. در مواردی از یک مؤلفه جنسیتی چندین دلالت استخراج شده است. ۳. از برخی مؤلفه‌ها برای استخراج دلالت مستقیماً استفاده نشده است، هرچند به فهم سایر مؤلفه‌ها کمک کرده‌اند. ۴. جهت اعتبارسنجی این دلالت‌ها، پرسشنامه‌ای میان متخصصان توزیع شد و از آن‌ها خواسته شد - با توجه به آموزه قرآنی موجود در هر پرسش - میزان توافق خود را با هر دلالت مشخص کنند. پایایی پرسشنامه از طریق spss، ۸۲٪. به دست آمد و البته یکی از پرسش‌ها به دلیل ایجاد ابهام برای پاسخ‌دهندگان حذف شد.

دلالت‌های استخراج شده عبارتند از:

با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان (مؤلفه ۲-۱) و توانایی بیشتر مردان در تحمل مشکلات و کارهای سخت (مؤلفه ۴-۱)، این دو دلالت به دست می‌آید:

۱. آموزش رشته‌های مرتبط با مشاغل سخت (شغل‌هایی که نیروی جسمانی زیاد می‌طلبد و لطافت‌های روح زنانه را برنمی‌تابد) بیشتر به پسران اختصاص یابد.

۲. محتوا و معیارهای سنجش در برخی دروس، از جمله درس تربیت بدنی، میان دختران و پسران متفاوت باشد.

با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: توانایی بیشتر پسران در استدلال<sup>۱</sup> (مؤلفه ۴-۱)، تمایل دختران به تبرج (مؤلفه ۶-۱)، شدت قوه کید در دختران (مؤلفه ۷-۱) و آسیب‌پذیری پسران نسبت به محرک‌های جنسی مشاهده‌ای (مؤلفه ۷-۱)، دلالت زیر به دست می‌آید:

۳. آموزش مختلط موجب اختلال آموزشی یا تأخیر و انحراف از اهداف می‌شود.

با توجه به مؤلفه جنسیتی: تأثیرپذیری و عاطفه‌گرایی در دختران (مؤلفه ۵-۱)،

۱. برخی صاحب‌نظران علوم تربیتی معتقدند که آموزش مختلط دو جنس به دلیل قوی بودن استدلال در پسران، موجب کاهش اعتماد به نفس دختران می‌شود (طوسی، ۱۳۸۸).

دلالت‌های زیر به دست می‌آید:

۴. آموزش دختران به رشد تفکر انتقادی معطوف شود.
۵. ویژگی‌های معلم در مدارس دخترانه بیشتر مورد توجه قرار گیرد.
۶. در آموزش‌های دینی و اخلاقی دختران بر جنبه‌های عاطفی دینی تأکید شود.
- با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: تمایل طبیعی دختران به تبرج و خودآرایی (مؤلفه ۶-۱)، دلالت‌های زیر به دست می‌آید: با رعایت موازین شرع در محیط داخلی مدرسه:
  ۷. لباس رسمی مدرسه متنوع و جذاب باشد؛
  ۸. آراستگی و استفاده از زیور آلات در یک حد منطقی پذیرفته شود؛
  ۹. معلمان الگوهای نظافت، زیبایی و کمالات اخلاقی باشند؛
  ۱۰. محتوای درسی به طور متعادل هم به تبیین زیبایی‌های اصیل و کمالات و فضایل، هم به تبیین زیبایی‌های ظاهری اختصاص یابد؛
  ۱۱. جمال الهی و تجلی آن در زیبایی‌های طبیعی و انسانی موضوع پژوهش‌های درس دینی قرار گیرد.
- با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: وجود قوه کید در دختران و آسیب‌پذیری پسران نسبت به آن‌ها (مؤلفه ۷-۱)، دلالت زیر به دست می‌آید:
  ۱۲. لازم است آموزش کنترل عقلانی قوای نفس به پسران و دختران یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت باشد و مدیریت عواطف موضوع درس‌های مختلف قرار گیرد.
  - با توجه به مؤلفه جنسیتی: تعادل (نه تساوی) حقوق دو جنس (مؤلفه ۶-۲)، لازم است:
    ۱۳. تساوی حقوقی دو جنس به طور منطقی نقد شود و احترام متقابل و رعایت حقوق جنس مخالف ترغیب گردد.
    - با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: مرد در خانواده و جامعه قوام است (مؤلفه ۹-۲)، قوامیت ناظر به حق و تکلیف مردان می‌باشد (مؤلفه ۷-۲ و ۱۰-۲)، و قوامیت به معنای برتری ذاتی مردان نیست (مؤلفه ۲-۲ و ۴-۲)، لازم است:
      ۱۴. آموزش دختران معطوف به پذیرش مسئولیت‌ها و حقوق مردان در خانواده شود.
      ۱۵. آموزش پسران در جهت آماده‌سازی ایشان برای ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های مربوط به جنسیت آن‌ها باشد.

۱۶. حقوق و تکالیف متقابل دو جنس در برنامه‌های درسی مورد ملاحظه قرار گیرد.
۱۷. مردسالاری، زن‌سالاری و هر نوع برتری طلبی جنسیتی به عنوان یک رذیله اخلاقی مورد نقد قرار گیرد.
- با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: ضرورت تفاوت‌های فردی برای بقای جامعه (مؤلفه ۲-۱)، دلالت زیر به دست می‌آید:
۱۸. باید آموزش در جهت پذیرش تفاوت‌های جنسیتی برنامه‌ریزی شود.
- با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: تفاوت‌های جنسی و برتری‌های موردی هر یک از دو جنس بر دیگری (مؤلفه ۲-۱ و ۲-۲)، اصل و ریشه تمام فضائل اکتسابی و غیر اکتسابی خداست (مؤلفه ۲-۴)، دلالت‌های زیر به دست می‌آید:
۱۹. آموزش باید برای کاهش ایده‌های برتری‌طلبانه جنسی برنامه‌ریزی کند.
۲۰. آموزش دختران باید برای طرد هر نوع از خود بیگانگی جنسی و احساس حقارت برنامه‌ریزی کند.
۲۰. آموزش باید برای پذیرفتن تفاوت‌های جنسی و عبور از آن‌ها در جهت اهداف عالی انسانی برنامه‌ریزی کند.
- با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: معیار برتری افراد تقواست (مؤلفه ۳-۱)، تقوا مستلزم شناخت موقعیت، تذکر مستمر نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در موقعیت و اصلاح موقعیت است (مؤلفه ۳-۱)، تقوا مرهون توجه به شهادت و نظارت الهی است (مؤلفه ۳-۵)، دلالت‌های زیر به دست می‌آید:
۲۱. اهداف کلان در جهت فراهم شدن شرایط دست‌یابی افراد به تقوا تعریف شود.
۲۲. اهداف آموزش دختران و پسران باید با توجه به امکانات و شرایط هر یک، جهت دست‌یابی به شناخت، تذکر یا اصلاح موقعیت تعریف شود.
۲۳. ملاک‌های ارزشیابی بسته به شرایط و ویژگی‌های جنسیتی و فارغ از هر گونه برتری طلبی جنسیتی تدوین گردد.
۲۴. روش‌های آموزش و فعالیت‌های یادگیری بر اساس ویژگی‌های جنسیتی و جهت کسب شناخت، تذکر و اصلاح موقعیت طراحی گردند.
- با توجه به مؤلفه‌های جنسیتی: پاداش عمل صالح زنان و مردان عادلانه است (مؤلفه ۳-۲)، جریمه عمل ناصالح زنان و مردان ظالمانه نیست (مؤلفه ۳-۳)، دلالت‌های زیر به

دست می‌آید:

۲۵. پاداش و تنبیه دختران و پسران با ملاحظه ویژگی‌ها و توانایی‌های جنسیتی آنها متعادل (نه لزوماً مساوی) گردد.

۲۶. قوانین اداری و دستمزد معلمان با ملاحظه ویژگی‌ها و توانایی‌های جنسیتی آنها متعادل (نه لزوماً مساوی) گردد.

### نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های استخراج شده از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) پیرامون جنسیت حاکی از آن است که دیدگاه قرآنی تفاوت جنسیتی یا تساوی جنسیتی را به طور مطلق برنمی‌تابد. زن و مرد از دیدگاه قرآنی دو صنف از نوعی واحد هستند و از این رو، علاوه بر اشتراك در بسیاری از ویژگی‌های جسمی، روحی، حقوق و تکالیف، دارای تفاوت‌هایی نیز در این موارد هستند. خداوند متعال هدف خود از تفاوت جنسیتی را شناختن یکدیگر، نه ستم و فخر فروشی، می‌داند. هیچ جنسیتی بر جنس دیگر برتری ندارد، مگر آنکه با تقواتر باشد و این یعنی نگاه توحیدی به مرد و زن که باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد.

## منابع

## منابع فارسی

- بستان نجفی، حسین (۱۳۸۳)، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *زن در آینه جلال و جمال*، قم: نشر اسراء.
- چابکی، ام‌البین (۱۳۸۲)، *آموزش و جنسیت در ایران*، مطالعات زنان، شماره ۲.
- چودوروف، نانسی جولیا (۱۳۸۵)، «جنسیت، رابطه و تفاوت در نگرش روان‌کاوی»، ترجمه منیژه نجم عراقی، *شهیلا اعزازی (گردآورنده)*، *مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها*، (ص ۷۳)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۸۷)، *قرائت انتقادی نظام آموزشی با رویکرد جنسیتی*، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- دلفی، کریستین (۱۳۸۵)، «بازاندیشی در مفاهیم جنس و جنسیت»، ترجمه مریم خراسانی، *شهیلا اعزازی (گردآورنده)*، *مجموعه مقالات فمینیسم و دیدگاه‌ها*، (ص ۱۵۹ تا ۱۸۲)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، *فمینیسم*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- زعفرانچی، لیلا سادات (۱۳۸۸)، *اشتغال زنان*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- زنجانی زاده، هما (۱۳۸۶)، «تحلیل رابطه آموزش و پرورش و نابرابری‌های جنسیتی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تعلیم و تربیت*، شماره ۹۱.
- شهرآرای، مهرناز، «جنسیت و رویکردهای معرفت‌شناسانه»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تعلیم و تربیت*، شماره ۲۲.
- صمدی، معصومه (۱۳۸۴)، «بررسی باورهای برنامه ریزان درسی درباره تفاوت‌های دختران و پسران در زمینه شناختی»، *فصلنامه مطالعات زنان*، ش ۸.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ ج، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طغرانگار، حسن (۱۳۸۳)، *حقوق سیاسی-اجتماعی زنان*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طوسی، اسدالله (۱۳۸۸)، «اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی»، مؤسسه آموزشی و



- پژوهشی امام خمینی (گردآورنده)، مجموعه مقالات تربیتی تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی (ص ۴۳۳ تا ۴۶۹)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ظهره‌وند، راضیه (۱۳۸۷)، «تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی آموزشی دوره آموزش عمومی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت، ش ۸۷.
- عبدوس، میترا (۱۳۸۱)، «بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران و پسران و راهکارهای مؤثر برای رفع آن»، وزارت آموزش و پرورش و پژوهشکده تعلیم و تربیت (گردآورنده)، مجموعه مقالات همایش مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، ص ۲۴۳ - ۲۸۴.
- علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۳)، «جنسیت در تربیت اسلامی»، وزارت آموزش و پرورش و پژوهشکده تعلیم و تربیت (گردآورنده)، مجموعه مقالات همایش مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، (ص ۱۳۵ - ۱۶۳).
- گال، مردیت و دیگران (۱۳۸۴)، روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ج ۱، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی - سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- معروفی، پروین (۱۳۸۱)، «تأثیر آموزش و پرورش در انجام اصلاحات با تأکید بر نقش ملاحظات جنسیتی»، وزارت آموزش و پرورش و پژوهشکده تعلیم و تربیت (گردآورنده)، مجموعه مقالات همایش مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، ۲۲۵ - ۲۴۱.
- معلوف، لویس (۱۳۸۷)، المنجد، ترجمه احمد سیاح، تهران: اسلام.
- مولیرآکین، سوزان (۱۳۸۳)، زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب، ترجمه و تألیف: ن، نوری زاده، تهران: قصیده‌سرا و انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۸۵)، سخن سردبیر ویژه نامه، فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت، ش ۸۷.

## منابع عربى.

ابن فارس (١٤٢٩ هـ. ق-٢٠٠٨ م)، معجم مقاييس اللغة، بيروت: دار الاحياء التراث العربى.

الراغب الاصفهاني (١٣٧٦)، مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوى.

الراغب الاصفهاني (١٤٢٨ هـ. ق - ٢٠٠٨ م)، المفردات فى غريب القرآن، ضبط هيثم طعيمى، بيروت: دار الاحياء التراث العربى.

العك، خالد عبد الرحمن (٢٠٠٢)، تربية الابناء و البنات فى ضوء القرآن و السنه، بيروت: دار المعرفة.

## منابع لاتين.

Hodges Persell, Caroline & else (1999). *Gender and Education in Global Perspective* Janet Saltzman Chafetz (Ed) Handbook of the sociology of Gender. (407-440). Texas: Spring.

Stockard Jean (1999). *Gender Socialization*. Janet Saltzman Chafetz (Ed). Handbook of the sociology of Gender. (215-228). Texas: Spring.

## منابع الكترونيكى.

نرم افزار جامع تفاسير نور.

پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگى  
پرتال جامع علوم انساني